



حسام‌الدین دولت آبادی

زمین های مغصوبه شهرداری - انجام کار مهم لوله کشی - احداث
پارك سنگلج - داستان سیل خطرناك ۲۹ اسفند

شهرداری تهران بموجب قانون صاحب ملیون‌ها متر زمین درمسیل‌های شمالی و آبریز های البرز بود که بهای امروز آن میلیارد ها ریال میشد ، این زمین‌ها که از مسیل کن درغرب و جنوب غربی شهر شروع میشود و تا آبریز سوهانك در شرق تهران خاتمه مییابد درتجریش و اطراف آن مسیل ولنچك . در بند و امتداد آن مسیل دز آشپ والهیه تقریباً تمامی آن بتصرفات غاصبانه رفته بود ولی در هنگام شهرداری این جانب ۶ ملیون متر مسیل داودیه که امروز همگی ساختمان شده و بطور متوسط متری پنجهزار ریال ارزش دارد و بهای آن بالغ برسی میلیارد ریال میشود که این‌مسیل‌بالتمام در تصرف شهرداری قرار گرفته بود و این جانب آقای سرننگ جمال‌الدین میرگلو که آنروز سرگرد و معاون اجرائیات شهرداری و همچنین رئیس اداره آب بود بسرپرستی و حفاظت آن مسیل انتخاب کرده بودم . يك روز آقای عبدالله معنوی مالك داودیه اجازه کتبی خواسته بود که دوکامیون شن درمسیر مسیل برای پیمانکاری باغ خود ببرد این موافقت با اطلاع و دستور کتبی این جانب به آقای سرگرد میرگلو عملی شد ولی بعد ازمن تمامی آن مسیل باستثناء مقداری از ارتفاعات تپه‌ها که تا حال بتصرف شهرداری باقی مانده بدست معنوی باهمکاری نمود وچنانچه شنیدم باحمایت سپهبد بختیار ازدست شهرداری درآمد ...

همچنین امتداد مسیل مزبور که معبر آن از زیر ضرابخانه میگذشت و با عبور از معجیدیه و جنوب شمس آباد و نارمک به هاشم آباد منتهی میشد بیش از سی و هفت ملیون متر مربع بود که همه و همه مورد تجاوز قرار گرفت و اکنون هزار ها پلاک ثبتی و مالك

متصرف دارد و داستان شیرینی داشت همین محل که فعلاً پارک کورش و در اطراف فروشگاه بنزین میباشد که تمامی طول این زمین دهانه مسیل داودیه بود و هنوز هم آثار آن باقی است .

روزی از شمیران بشهر میآمدم و بچشم خود دیدم که جلو آنرا مشغول پی کنی و دیوارسازی شده اند شخصاً از ادامه عمل جلوگیری کرده و مأمور مخصوصی گذاشتم که از دخالت در آن محل جلوگیری شود .

شخصی که به آنجا طمع کرده بود و هر روز در هر گوشه شهر دستش میرسد اموال بی صاحب شهرداری را میبرد ، مشغول شکایت پرانی حتی بدربار شاهنشاهی شد و هزاران ادعای خدمت گذاری و جان نثاری کرده بود با وجود اینکه شماره های روزنامه های فحاش دماوند همگی حاضر و شاهد ادعای او بود .

بالاخره روزی آمد نزد این جانب او را شناختم که وقتی در اصفهان کارگردان تأثر بود . گفتم چه مطلبی دارید بدون ملاحظه گفت ایفجا سیزده هزار متر زمین است که متری سیصد ریال ارزش دارد هر طور میخواهید تقسیم کنیم من باو گفتم بسیار خوب است . گل از گلش شکفت سپس گفتم ولی من همه آنرا میخواهم آنگاه یکه خورد و گفت این چه طرز تقسیم و انصاف است .

باز گفتم همه آنرا میخواهم و برای شهرداری هم میخواهم . آنوقت رفت اما از هتاکي فروگذار نکرد بعداً هم شرکت نفت در وسط آن زمین فروشگاهي ساخت ولی شرکت نفت که با وجود سرپرستی دکتر اقبال مقدم در بسیاری از امور عمومی مخصوصاً کمک های فرهنگی و آموزشی و بهداشتی شده و میشود جا دارد که از وسط پارک کورش این دستگاه فروش نفت را بردارد و بجای متناسب دیگری انتقال دهد و در گوشه شمالی آن يك کتابخانه و قرائت خانه بنام شرکت نفت تأسیس نماید .

اقدام دیگر این بود که دو بیست و پنجاه هزار متر زمین مرغوب شهرداری در داخل شهر داشت که آنرا بالتمام تسلیم و تحویل (فرهنگ) آموزش و پرورش برای ساختمان دبستان و دبیرستان کردم یعنی کمیسیوني با حضور خودم و آقای دکتر محمود مهران معاون آنروز وزارت فرهنگ و آقای عقیلی رئیس اداره اموال شهرداری تشکیل و در هفته دوازده مرتب میرفتم .

این زمین های شهرداری را طبق صورت مجلس و نقشه برای مصرف ساختمان دبستان و دبیرستان تحویل وزارت آموزش و پرورش میدادیم .

اما انجام کار لوله کشی تهران که در دوران فرمانداری احمد قوام شروع شده بود . عبارت از این بود که روزی جناب اشرف در زاویه جنوب غربی زمین های مخروبه سنکلیج کلنگ آغاز لوله کشی را با تشریفات و تظاهرات بر زمین زده و بطری هم که در داخل

آن طومار لوله کشی بود بسینه خاک سپرده بودند.

با شرکت الکساندر کیپ هم قراردادی بسته بودند که آن شرکت نقشه لوله کشی شهر را بتدریج تسلیم و اجرت این کار را با قسط دریافت دارد.

از مردم هم یکمیلیون و دوست و چهل هزار ریال بنام حق انشعاب بتدریج گرفته بودند هیئت نظارتی نیز مرکب از سه نفر از رجال خوشنام انتخاب کرده بودند که باین کار برسد دفتری نیز در خیابان شاه نزدیک خیابان باغ سپهسالار اجاره کرده بودند که اداره لوله کشی باشد یعنی اطاق هیئت نظارت و اطاق مهندس بیانی. آن مبلغ ناچیز بتدریج بابت مال الاجاره خانه و حقوق مهندس و حق الزحمه هیئت نظارت خرج شده بود.

شرکت الکساندر کیپ هم مقداری نقشه حاضر کرده بود ولی چون اقساط شهرداری پرداخت نشده بود آنها نیز نقشه را تسلیم ننموده و کار هر دو طرف بکاغذ پرانی و پرونده سازی انحصار یافته بود همین و همین.

از آن پول هم هنگامی که اینجانب شهردار شدم مبلغ ناچیزی مانده بود که دیگر کرایه خانه را هم کفایت نمیکرد.

آقایان هیئت محترم نظارت روزی بدیدن بنده آمدند و از نبودن پول گله داشتند آقای مهندس آلجویه نماینده شرکت الکساندر کیپ هم وقت ملاقات خواست که باو جواب دادم پنجروز دیگر بیاید تا این جانب کلیه سوابق امر را مطالعه کرده باشم.

روزی آقای آلجویه را برای ملاقات بشهرداری دعوت کردم دلی داشت پراز درد و زبانی پراز شکایت و گله همه را گوش دادم و بایشان جواب دادم تخلفاتی از طرف شرکت شما و شهرداری در کار بوده است و اگر شما از بحث دوباره گذشته صرف نظر کنید ترتیب صحیحی برای آینده میدهم که نقشه را بدهید و پول آنرا بگیریید عمل خرید لوله و نصب آنهم انجام گردد. شما بروید مقداری از نقشه ها را تکمیل و تا دو هفته دیگر بیاورید نزد این جانب سه میلیون و شصت هزار ریال بهای قسط اول آنرا هم از دست این جانب دریافت دارید.

مشکل اساسی کار این بود که عمل لوله کشی تهران در آنروزگار بی پولی و هرج و مرج اخلاقی یک نفر سرپرست میخواست که شخصیتی فنی و بزرگ داشته باشد تا باصل کار تسلط یافته با شرکت الکساندر کیپ بتواند روی صداقت و لیاقت کار کند دو تن از مهندسين ایرانی واجد شرایط بالا بودند یکی مرحوم مهندس پناهی مهندس الملك که مدیر کل فنی وزارت پیشه و هنر بود. دیگری جناب مهندس غلامعلی میکده که بتازگی در سمت معاونت جناب آقای امان الله اردلان بوزارت راه رفته بود مرحوم مهندس پناهی کارهای زیادی داشت که باید خود حل و فصل نماید. با آقای مهندس میکده صحبت کردم و پس از کسب اجازه از شاهنشاه رفتم خدمت جناب اردلان و موافقتشان را برای تغییر شغل آقای مهندس میکده جلب کردم. (ضمناً آقای محمد سعیدی را هم که از همان مقام معاونت برکنار شده بود با استعجازه لازم تقاضا کردم جناب آقای اردلان دوباره به معاونت خود برگزیدند)

آقای مهندس میکده را بسمت سرپرست تأسیسات لوله کشی تهران حضور مبارک

شاهنشاه معرفی و سپس برای انجام لوله کشی با حمایت جدی اعلیحضرت همایونی مشغول فعالیت شد.

مشکل اصلی کار نبودن پول آنهم با وضعیت شهرداری ورشکسته و بی پولی دولت بود. لذا دست حاجت پدایان فتوت جناب ابوالحسن ابتهاج مدیر کل با اقتدار بانك ملی دراز کرده رام کردن اوهم کار آسانی نبود ولی پس از اینکه دانست هدف من انجام کار اساسی لوله کشی تهران است موافقت کرد تا چهل مایون تومان بمسأپول بدهد. لذا قراردادی با تصویب دولت منعقد گردید که بموجب آن کلیه عایدات لوله کشی تحویل بانك ملی شود کلیه مخارج و هزینه دربانك و تحت نظارت آن پرداخت گردد. در این باره شادروان دکتر دفتری معاون بانك ملی هم سهم بزرگی را داشت که در این یادداشت نامی از آن درامرد میبرم که در صفحه تاریخ باقی بماند و امیدوارم خدمتگذاران صدیق کشور هیچگاه فراموش نشوند.

بهر حال قرارداد مزبور بتصویب رسید و روز موعود آقای مهندس آلپویه نقشه ها را آورد بشهرداری. من هم اولین پرداخت را از جناب ابتهاج بابت بهای نقشه ها تقاضا کردم و همانروز قسط اول بهای نقشه تسلیم گردید و باید آخر بهار سال ۱۳۲۷ شمسی را آغاز واقعی لوله کشی تهران دانست.

سپس آقایان مهندس روحانی وزیر فعلی کشاورزی. مهندس ظهیری استاندار فعلی استان ساحلی. مهندس کهکشان معاون فعلی وزارت آب و برق که برای مطالعه بانگلستان رفته بودند بازگشته و شروع بکار کردند.

آنگاه موضوع تصویب نقشه شهر برای حفاری و دنبال آن خرید لوله پیش آمد که در آنروزگار امری شگفت آور و از معجزات تلقی میشد.

بالاخره پس از چند ماه معطلی که دولت مجال تصویب نقشه شهر را نداشت باز در این باره هم از عنایت و حمایت شاهنشاه استمداد نمود.

در یکی از جلسات هیئت دولت که در حضور شاهنشاه تشکیل میشد و امر فرموده بودند شهردار هم برای کارهای ضروری خود شرکت جوید نقشه شهر تصویب کردند. و سپس امر خرید لوله و کار های لوله کشی بتصمیم دولت که آن زمان جناب دکتر اقبال وزیر بهداری و دبیر هیئت دولت بود این تصمیم را ثبت و ابلاغ نمودند و پارتی اول لوله ها با هزاران زحمت خریداری شد و عجب این بود که بفاصله سه هفته بعد از خرید اولین پارتی شاه لوله فولادی بهای لوله تغییر مهم پیدا کرد که فروشندگان حاضر شدند ۱۲ میلیون تومان بدهند و معامله فسخ شود.

شیی در هیئت که خود باور نداشت این کار عملی شود شخصی که آنروز سمت معاونت نخست وزیر را داشت و از روزنامه نگاران، نماینده مجلس بود بمن اظهار داشت که با این آشفتنگی اوضاع مالی شهرداری این مبلغ را بگیرند بقروض شهرداری بدهید من باو جواب سخت دادم که این حرف را اگر بر سبیل شوخی هم میگوئی شرم آور است و ابداً بر زبان نیاورد. بقیه دارد